

وقلايد رسول برافضال اهل البيت حال و سندی قنایب و کبر که محبت  
 اصی قبال دعا اول تو و حسن حال که ز خصال اوله سجده بر زمین  
 کان صدق و صدقانه تر سید و شکر ال واصحاب و عشر شایسته که کوه ایما  
 قول ایمان و اسلامان تا بین اوله قدیم که کسی **فالمع من التکرمة معصین**  
 و کس با حق جانان قلایدوب نه جان سنازه با ان کفادون اسلام که سرت اوله  
 وجود شریف خصال تحریک کنی سرت تا ز غلبه الهیه که جوهر لریدی و معنی  
 بی در زلفان اول مجاداع با عینه طریقه برآه و با ادوب دست **فانقله الزکین**  
 اوله اول فقه بی دی فایران جوهر لریدی و کس با حق زمان الفاضل است ادوب  
 اول حضرتک مع و نفا سیده چه قصاید عا انشا اله و مظهر الطاف بحق استیها  
 اوله لریدی و کس با حق بر سر خوم بدی و مدد نفی اوله **فانقله الزکین**  
**استاد علی گنیر حاتم** خاتمی اله کلام و مغز و خلعت بر شهادت منقبتلری  
 نوبی مدینه و رضوانه طراز که خیز و مطر ز اولدی بیت ابر رضوان که نعم طوره بر سنا  
 روضه الیه الصبیانه و لیسون ماران **و کز القاب با و نجا جرم** مرات ضمیر اسل  
 بصایره واضح و ظاهر و مشکوه انظار معا و مقارحه **کا الشمس اوقات**  
**الهدی** بر روشن ما هر در که بر فای مغزای **واجب علی صدق قیام الایمان**  
 همیشه ناظمان در کلام بر اجابت این صحی الفساد واری ذکر ای حسن نشان فک  
 ممکن الی ترین ایدو بر قرینک و با جاسنده اول سجاده و صاحب زمان  
 قرمان فریای زمین و لندی که تا رسان نفور ملک ملت و حال ساس بر  
 عود و ولت و مستظل سادات جلالت جاه و بر ساسیا وجود امکانه صدر  
 نشین شاد روان **السلطان ظل الله** در خند و یقین ایتمک عا در سیدی  
 و تمواره به دوران سخن بروری و بر سر جان مساک با عت ربوت که سرت  
 کردن و پوش ای می جو اهرمان سلطانین بر خیزد که مظهر انواع صفات کشته  
 و بر و بر سینه در و در عطف از ان تمور و اعوامی زو اهرم مفاخر حلقه بصر  
 اقتدار و کواکب است ملک که شایسته خلعت بر کرامت **انجلتک الخلیفة**  
 محلی و مطر و فرین و مغز انبیک شیک بر کبر و منت سینه لریدی بنا علی سنا

ری

اول

اوله که بر این وقت اولدی و کس با حق **فالمع من التکرمة معصین**  
 او قنایب مذمه و جمعا مقبول و کس با حق **فالمع من التکرمة معصین**  
 سکا در حالت و برن سیم وزره و بر سر زره که نام بادشاه عدالت  
 کسرت با زلمه برارنده مطلوب و نامول و کس با حق **فالمع من التکرمة معصین**  
 می افاضل و عرفان اولان اهل الشرف و اذغان ظاهر و بیاند که بر افرا خطا  
 حضرت باری شایسته بر سلطنت کامکاری ذات سعادت اولدی  
 که که منظور علو معنی نفیوت دین مبین و نصب العین بر غیر منی شمس حکام  
 سید المسلمین اولو که شایسته توفیق کس با حق **فالمع من التکرمة معصین**  
 نامشایسته ایله خطا اولو که جام جهان نمای رای مالک را سینه صورت  
 نیک خواهی دن بخیری بقیض شیطیع اولیه و بر سر مانده دیده دل و جانی  
 امن و امان ز عا او ز برستان ایچون برق و رعده شمع آتش شانند غیر  
 نامت و اولیه زلال شمع آتاری رخسار که ار عدل و اوله سرخ و روق و روبر  
 بیگان جوشن نگارای خاطر مبدادی هر روبر و کس با حق **فالمع من التکرمة معصین**  
 جفقه و نهال بر اجالی کس با حق سعادت و اقباله کشیده بالا اولدی حضرت  
 احسان لاله و لایحه سی سوت حکمان رضایه حضرت غنا اولدی و مدد اولدی  
 کلین فوادی عین زاده شوره **مصرع** حمد محمد در کاه که بر متعال که عنایت  
 بی غایت قادر رحمت از بموجب **و الله ولی مملکتنا** کوی سلطنت هما  
 بر سلطان سعادت شایسته جوکان اخت سارینه نبوت در **مصرع** شکوه کس  
 بنحای کرم زرق که اراوت حضرت برور کار مقتضای **و الله ولی مملکتنا**  
**من استاد** عنان ممالک ایران و توری بر بادشاه کامکار که خسته سینه  
 سوت و شکر که تاج بر استخلافه اتحقا قیام شانه دی عدلی و سرت عالم  
 بر سلطنت استهالند جتی بلسر **بیت** آن لطف حق که عقل و دست  
 شکونه واجب است در روزگار خاست سلطان سلاطین جهان با مط  
 ربط امن و امان چشمه منبری هر کس اسکندر کویان چشمه ممکن اهرام و بر  
 صلح و امنک واری خورشید غلام فیر و زینک خضرنا سید برزم فیر و زین عطار